

ترور، وحشت، فحشا، فساد، ناامنی و تعصب نتیجه طبیعی دوستی با کفار است!



خبر:

از روز ۳۱ می تا ۳ جون سال روان میلادی شهر کابل شاهد سلسله ای از انفجارات و خشونت های خونبار بود. روز چهارشنبه ۳۱ می در نزدیکی سفارت آلمان انفجار مهیبی رخ داد، که بر اساس ارقام رسمی نزدیک به ۱۰۰ تن کشته و بیش از ۴۶۰ تن مجروح برجا گذاشت. درحالی که ارقام غیر رسمی و واقعی به مراتب بیشتر ازین می باشد، و تا هنوز ده ها تن در محل رویداد مفقود الاثر هستند.

روز جمعه ۲ جون صدها تن در اعتراض به ناتوانی دولت در مورد تأمین امنیت به مردم، در محل انفجار به تظاهرات پرداختند و خواهان کناره گیری دولت به رهبری اشرف غنی رییس جمهور و عبدالله ربیس اجرائیه شدند، که با موج عظیمی از خشونت ها از سوی هر دو طرف (مردم و نیروهای نظامی) روبرو گردیدند و در اثر آن ۵ نفر کشته و ده ها تن دیگر زخم برداشتند. سپس به تاریخ ۳ جون در جریان مراسم تدفین و ادای نماز جنازه کشته شده گان در تظاهرات، سه انفجار پیهم رخ داد که دست کم ۷ کشته و بیش از ۱۰۰ زخمی برجا گذاشت.

تبصره:

وقوع پیهم رویدادهای خونبار نگرانی از آینده را بر مردم چیره گردانیده و در میان مردم و سران سیاسی و قومی شکاف های قومی-زبانی را عمیق تر کرده است. در چنین وضعیت بحرانی انگشت انتقاد بسیاری از چهره های اتحاد شمال که اکثراً تاجک و فارسی زبان هستند، به سوی رییس جمهور، رییس شورای امنیت ملی، رییس عمومی امنیت ملی و قوماندان گارد عمومی ریاست جمهوری که افغان و پشتو زبان هستند، نشانه رفته است و دولت را با لحن تند در جلوگیری از حوادث خونین و برخورد تبعیض آمیز نژادی متهم نموده است. فلذا نتایج متوقعی که ازین موج انفجارها و خشونت ها گرفته می شود قرار ذیل است:

۱. امریکا برای حفظ نیروهای اشغالگر خود در افغانستان و منطقه، قصداً دولتی دوسره؛ به رهبری رییس جمهور و رییس اجرائیه را حاکم ساخته است تا از داخل با شکاف و چندپارچگی قومی، نژادی، زبانی روبرو باشد و از بیرون در میان مردم هم فاقد مشروعیت باشد. در چنین وضعیت، دولت دچار ضعف، بحران های داخلی و عدم کارایی در تمام عرصه های زندگی بوده و به گونه مداوم نیاز به حمایت و پشتیبانه نیروهای اشغالگر را دارا می باشد.

۲. دولت دست نشانده امریکا در افغانستان، از بدو تأسیسش تا امروز به شیوه های گوناگون، از جمله؛ قتل، ترور و خلع قدرت تدریجی تلاش نموده است تا سران قومی و مجاهدین اسبق را بعد از مفسد ساختن آن، از منصفه قدرت کنار زدند، که دولت جان کری آخرین میخ را بر تابوت جهادیان اتحاد شمال که اکثراً تاجیک و فارسی زبان هستند، توسط مصالحه دولت با گلبدین حکمتیار که پشتون و رقیب سرسخت آنان در جریان جنگ های داخلی بود، زد؛ تا سرحدی که عطا محمد نور

سرپرست ولایت بلخ این نوع انفجار ها و برخورد های سرکوب گرانه معترضین را «توطئه ناجوانمردانه و حمله مستقیم به یک جریان مشخص سیاسی» خواند. همچنان صلاح الدین ربانی، وزیر امور خارجه و سرپرست حزب جمعیت اسلامی افغانستان در صفحه رسمی فیسبوک خود نوشت، که به زودی موضعش را در مورد "تروریست‌های داخل نظام و تصفیه حساب ملی با آن‌ها" اعلام می‌کند.

۳. این نوع سیاست های شاگردان ماکیاولی، فضای افغانستان را مملو از قومگرایی، نژادپرستی و زبان پرستی نموده و احساسات مردم را به تاجک و افغان، پشتون و فارسی زبان و... تجزیه نموده است، که همواره با اشغالگران و استعمارگران ممد واقع گردیده و مسلمانان افغانستان را میان خود درگیر نموده، و مبارزه علیه اشغالگران و استعمارگران را کلاً به باد فراموشی سپرده است.

۴. اگر به قوت، پیچیده گی و تسلسل مدیریت شده ای انفجارات توجه کنیم در می یابیم که سطح مدیریت و قدرت این نوع انفجارات بلندتر از توانایی تخنیکی و امکانات نظامی گروه های مسلح بوده و دلالت بر فراهم نمودن زمینه و امکانات توسط لانه های سیاه استخباراتی، سفارتخانه های کفار، نیروهای اشغالگر، به خصوص امریکا و قاتلین کرایه اش می کند؛ زیرا تمام شواهد انفجار دلالت برین دارد که تانکر منفجر شده توسط موشک و یا بمب افکن از هوا به زمین از فاصله بسیار دور مورد هدف قرار گرفته است.

۴. دولت ضعیف و دوسره جان کری در اثر سرکوب معترضین یک بار دیگر ثابت ساخت که به حقوق و به زعم آنان "آزادی های دموکراتیک" مردم ارج نمی گذارد و همواره در تلاش حفظ منافع کفار از طریق سرکوب اعتراض های مردمی و ادامه استبداد است. قسمی که سفارت امریکا در کابل هم با انتشار اعلامیه ای گفت: «در حالی که از تظاهرات مسالمت آمیز در جامعه دموکراتیک استقبال می کند، در تظاهرات روز جمعه برخی عناصر سیاسی "تنگ‌نظرانه" ازین فرصت استفاده کرده و به خشونت دامن زدند که به گونه نفاق آمیز موقف سرکوب گرانه دولت را تأیید و اعتراضات مردمی را "تنگ‌نظرانه" خواند.

۵. در بعد بین المللی؛ انفجار مهیب روز چهار شنبه که در نزدیکی دروازه ورودی سفارت آلمان رخ داد، امریکا خواست پیمای را توسط این انفجار عظیم به آلمان و سایر رهبران کشورهای رقیب مخابره کند که امریکا می تواند در تمام سرزمین های استعمار شده منافع آلمان و دیگران را تهدید کند. پس نباید در قبال خواسته ها و تمایلات واشنگتن بی تفاوت ماند و یا هم مخالف آن عمل کند. چیزی که در سفر ترامپ به اروپا، در کنفرانس های ناتو و جی ۷ میان ترامپ و مرکل و سایر رهبران اروپا آشکارا به مشاهده رسید.

پس این یک حقیقت انکار ناپذیر است که قبل از ورود ایدیولوژی فاسد و مفسد سرمایه داری و نظام پلیدش دموکراسی، افغان ها چنین پدیده انتحار و انفجار را در طول تاریخ اصلاً تجربه نکرده بود. انواع گوناگون فساد، فحشا، فقر، بی کاری، انتحار و انفجار همگام با ورود اشغال و استعمار امریکا و ناتو به این سرزمین سرازیر شده است. پس تا وقتی که اشغال و استعمار صلیبی ها پایان نیابد، تسلسل این نوع حملات وحشیانه توسط دولت اول تروریستی امریکا و شرکای بین المللی و مزدوران محلی اش ادامه خواهد یافت. آنان همواره مسوولیت چنین حملات تروریستی را به دوش همان معلوم مجهول "گروه های تروریستی اسلامگرا" خواهد انداخت و برای توجیه شدت جنگ، ترور، وحشت علیه امت مسلمة و ازدیاد نیروهای اشغالگر، استخبارات و قاتلین کرایه شان در منطقه و افغانستان استفاده خواهد کرد؛ زیرا ما باید نظام پلید دموکراسی و دوستی با کفار محارب بالفعل را قبل از تجربه رد می کردیم، اما اکنون نتیجه طبیعی تطبیق این نظام کفری و عقد پیمان های ستراتیژیک و امنیتی با امریکا و ناتو همین ترور، وحشت، فحشا، فساد و ناامنی می باشد و بس. ولی هنوز هم فرصت است و می توان از صفر شروع کرد و مبداء سرمایه داری با نظام پلید دموکراسی و حکام خاین و مزدور را در تمام عرصه های زندگی رد نمود و برای تغییر بر منهج نبوت و تأسیس یگانه نظام مشروع "خلافت" کمر همت بست.

سیف الله مستنیر

رییس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر ولایه-افغانستان